

## واکاوی نقش آفرینی زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

فرزانه دشتی\*

حدیث باقری نیا\*\*

محمد باقر مکرمی پور\*\*\*

### چکیده

در حال حاضر با توجه به تحریم‌های همه‌جانبه از سوی غرب چالش‌های فراوانی در اقتصاد کشور ما وجود دارد. در این مقاله به نقش و تأثیرگذاری زنان جامعه به‌عنوان یک رکن مهم و اساسی در تولید تأکید می‌شود. خانواده نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی در راستای پیشبرد اقتصاد مقاومتی دارد. زنان افزون‌بر نیروی انسانی فعال و مؤثر، با مدیریت صحیح و تغییر الگوی مصرف و ارتقا سطح فرهنگی اعضای خانواده و انتقال فرهنگ مقاومتی به نسل آینده می‌توانند نقش مهم و بسزایی در تحقق و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی ایفا نمایند. برای بسترسازی و نهادینه شدن فرهنگ اقتصاد مقاومتی، زنان بهترین گزینه‌اند. باید مدنظر داشت که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و نقش تعیین‌کننده و سازنده‌ی آنان را نباید از نظر دور داشت. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد. در ضمن هدف پژوهش بررسی نقش و تأثیرگذاری زنان در اقتصاد مقاومتی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، زنان، توسعه، فرهنگ، مشارکت، بهره‌وری.

Email: farzanehdashti30@yahoo.com

Email: hadis.bagherinia@alumni.um.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکترا، گروه علوم سیاسی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Email: bagher.mokarami@ut.ac.ir

\*\* دکترا، استاد، پیام نور

\*\* دانشجوی دکترا، دانشجو، دانشگاه شاهد

## مقدمه

حضور فعال زنان در تمامی عرصه‌ها به‌ویژه در عرصه توسعه اقتصادی همواره قابل توجه بوده است. دستیابی به توسعه پایدار بدون توجه و تحقق مشارکت گسترده زنان امکان‌پذیر نمی‌باشد. آنان می‌توانند با مشارکت گسترده خود در بخش‌های مختلف اقتصادی چرخ‌های اقتصاد کشور را به حرکت درآورده و در توسعه اقتصادی و پیشبرد هدف‌های جامعه نقش فعال و عمده‌ای داشته باشند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته اثبات‌کننده این مسئله است. در این نوشتار تلاش شده تا به این پرسش پاسخ داده شود که «نقش و سهم زنان جامعه در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی چه میزان است؟».

فرضیه پژوهش آن است که زنان نقش مؤثرتری نسبت به مردان ایفا می‌کنند. سهم آنان در پیشبرد اقتصاد مقاومتی بیشتر از مردان است؛ زیرا افزون‌بر دارا بودن نقش سازنده در خانواده نیروی بالقوه‌ای در عرصه اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌آیند. خانواده اساسی‌ترین عامل تولید و مصرف کالاها و خدمات در جامعه است؛ از این‌رو اقتصاددانان، خانواده را بنیان و اساس زندگی اقتصادی جوامع می‌دانند. برای تحقق اقتصادی شکوفا، همکاری خانواده امری ضروری است. در این میان نقش همسر و مادر نسبت به دیگر اعضای خانواده مهم‌تر و پررنگ‌تر است؛ زیرا زنان در سراسر جهان نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در اداره خانواده و جامعه دارند و برای تسریع روند تغییر و تحقق اهداف توسعه پایدار می‌توانند نقش و مسئولیت بسیار مهمی ایفا کنند. آنان در گام نخست نقش فعال و تأثیرگذاری در جهت ترویج و اشاعه فرهنگ، شکوفایی اقتصاد و استعدادهای جامعه دارند. بنابراین نباید از نفوذ تربیتی خانواده غافل شد. آنها افزون‌بر نقش نیروی انسانی مؤثر در امر تولید، با تدبیر عقلانی و اصولی و با اتخاذ الگوی مصرف مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، مدیریت صحیح‌داری‌ها و افزایش پس‌انداز خانوارها و همچنین افزایش سطح رفاه و آسایش خانواده می‌توانند سهم بسزایی در توسعه پایدار اقتصادی ایفا نمایند؛ زیرا اسراف، تجمل‌گرایی، مخارج فرعی و غیرضروری نه تنها سطح بهره‌وری خانواده را کاهش می‌دهد، بلکه فرهنگ و رفتاری نامطلوب را به نسل‌های آینده منتقل می‌نماید و سرانجام به اقتصاد جامعه صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

بنابراین، وضعیت کنونی کشور مشارکت افزون‌تر زنان را می‌طلبد و مهم‌تر از آن، داشتن یک تفکر و بینش در قالب فرهنگ اسلامی و اراده آغاز اصلاحات به همراه برنامه‌ریزی‌های اصلاحی و تعیین خط‌مشی‌های مناسب و منسجم برای تسهیل شرایط حضور زنان تنها راه تضمین تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در سیاست‌گذاری‌های کلان است.

## اقتصاد مقاومتی

براساس تعریف برخی اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد (غفارپور و پورحاتمی، ۱۳۹۳). سال ۱۳۹۱ که حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی نام گرفته بود، جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه بوده که به‌هیچ‌عنوان تاکنون مشابه آن را نداشت و به اوج رسیدن تحریم‌های اقتصادی و فشارهای ناشی از آن، اقتصاد کشور را در شرایط خاص و ویژه قرار داده بود. بنابراین، خود انقلاب اسلامی موظف به ابتکار و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی بود که در این شرایط راهبرد «اقتصاد مقاومتی» مطرح شد.

اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های فشار و تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها می‌باشد و تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است که پس از تشدید تحریم‌ها علیه ایران این شیوه توسط حکومت ترویج می‌شود. همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و مقاومت در مقابل تحریم‌ها بیشتر شود و بر تولید داخلی کشور تأکید و از توان داخلی استفاده شود. طبق نظر دولتمردان ایران در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است.

مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب‌وکار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه بوده و امکان دارد از هر جهت و در هر لحظه، ضربه‌ای اقتصادی به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آنها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی، همراه و پیاده‌سازی آنها را تسریع کرد. در این رویکرد، کسب ثروت و درآمد ملی از مسیرهایی دنبال می‌شود که قدرت چانه‌زنی کشور در فضای سیاسی بین‌المللی را تقویت کند نه آنکه کشور ناگزیر باشد به دلیل مسائل اقتصادی از اهداف ایدئولوژیک خود در فضای سیاسی دست بکشد (پیغامی، ۱۳۹۰).

به‌واقع اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گراست. محورهای اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دفع تهدیدات خارجی و عبور از تنگناهای اقتصادی و توانمندسازی ساختار اقتصادی کشور برای مقابله با بحران‌ها و نوسانات به‌وجود آمده در اقتصاد بین‌الملل است (سالار و خراسانی، ۱۳۹۶، ص ۸۳-۸۴). بنابراین

می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است. این امر باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی اقتصادی متناسب با اقتصاد دینی و شرعی تبیین، طراحی و سپس اجرا شود (خدایاری، ۱۳۹۲).

### مقام معظم رهبری و اقتصاد مقاومتی

در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های غیرانسانی غرب علیه ایران با هدف توقف برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور افزوده شده و مورد بحث قرار گرفته است. این واژه نخستین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح شد. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶).

یکی از الزامات و بایسته‌های اقتصاد مقاومتی توانمندکردن آحاد مردم است تا زمینه برای حضور مؤثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصاد فراهم شود؛ یعنی مردم در اقتصاد سرمایه‌هایشان را به کار اندازند و تولید را رونق دهند. از مهم‌ترین نقش‌های مردم در اقتصاد می‌توان به مدیریت مصرف یعنی تعادل در مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر اشاره نمود.

مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۹۱ فرمودند: «هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانایی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانایی‌های مالی باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. اینکه ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت می‌کند. ما افق‌های بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم. خب! بدیهی است که حرکت به سمت این افق‌ها، معارض‌ها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد و بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است. این معارضه‌ها در مواردی هم منتهی می‌شود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده می‌کنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی - اینها هست - لیکن در لابه‌لای این مشکلات، در وسط این خارها، گام‌های استوار و همت‌ها و تصمیم‌هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها

عبور کند و خودش را به آن نقطه مورد نظر برساند؛ وضع کشور الآن این جوری است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۶/۵/۱۳۹۱).

بنابراین، از منظر ایشان اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم زمینه رشد و شکوفایی را فراهم کند که در این راستا نقش خانواده‌ها به‌عنوان هسته اصلی نظام اجتماعی و به‌ویژه زنان در اجرایی شدن آن بسیار حائز اهمیت و پررنگ‌تر می‌باشد. با نهادینه شدن این ارکان در بین مردم شاهد نتایج مثبت آن مانند کاهش وابستگی‌ها، مقابله با تحریم‌های اقتصادی، ایجاد اشتغال، ایجاد خلاقیت و نوآوری و... در سطح جامعه خواهیم بود.

### زنان و توسعه اقتصادی

در یک اقتصاد سالم و پویا، زنان و مردان در کنار هم و به‌تناسب توانایی‌های خود در بخش‌های مختلف صنعت و جامعه مشغول به کار هستند. با روال صنعتی شدن جوامع و افزایش تحصیلات و مهارت زنان در بخش‌های مختلف علوم و صنایع، شاهد حضور پررنگ و مشارکت سازنده زنان در اقتصاد کشورهای مختلف جهان هستیم (ایمانی، ۱۳۹۸، ص ۳۲). در ضمن امروزه یکی از مباحث مهم، جایگاه و نقش زنان در توسعه است. توسعه به تلاش انسان در دگرگونی محیط به‌منظور رفع نیازهای خود و تأمین امنیت اطلاق می‌شود و در ابعاد مختلف قابل بررسی است. توسعه یعنی تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها و بدون در نظر گرفتن زنان دستیابی به توسعه واقعی میسر نخواهد بود. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور می‌توانند با مشارکت گسترده در بخش‌های مختلف اقتصادی، چرخ‌های اقتصاد کشور را به حرکت درآورده و در توسعه اقتصاد و پیشبرد اهداف جوامع سهم بسزایی داشته باشند.

دادن اختیار به زنان، هم‌زمان با گسترش زمینه‌ها و ارتقاء سطح مشارکت آنها می‌تواند گامی اساسی در سرعت بخشیدن به آهنگ رشد توسعه در تمامی ابعاد آن باشد (عبدلی، ۱۳۸۳). همچنین، گفتنی است که قدرت دادن به زنان و برداشتن موانع از سر راه آنان، باعث بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها در جامعه می‌شود که این جریان می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار نیز باشد (شیخی، ۱۳۸۰).

حضور فعال و پویای زنان در عرصه توسعه اقتصادی همواره قابل توجه است. بدین‌صورت که آنان در فعالیت‌های روزمره زندگی مانند تربیت بچه، اداره امور خانه و افزایش بازده نیروی انسانی سهم عمده‌ای دارند (سهامی، ۱۳۸۶). جوامع مختلف جهت دستیابی به توسعه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی همواره باید از توان و قابلیت‌های زنان بهره‌گیرند و با مشارکت دادن زنان در

فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را به عدالت اجتماعی هر چه بیشتر هدایت کنند. بنابراین با توجه به نقشی که زنان می‌توانند در توسعه داشته باشند باید به موقعیت زنان در جامعه توجه بیشتری شده و مشکلات و موانعی که در سرراه آنان وجود دارد و باعث محدود شدن مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون زندگی می‌شود را از میان برداشت.

یکی از عوامل مؤثر در توسعه جوامع سرمایه انسانی است و زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور معمولاً سهم قابل توجهی در توسعه دارند. توسعه در صورتی تحقق پیدا می‌کند که مشارکت همه افراد اعم از زن و مرد در این فرایند مورد توجه قرار گیرد و همچنین، تحقق ماده ۱۱۱ از فصل نهم قانون برنامه چهارم توسعه کشور مبتنی بر ارتقای نقش و مشارکت زنان در جامعه باید به زنان به‌ویژه زنان متخصص و توانمند توجه بیشتری کرد. آنها در سراسر جهان نقش تعیین‌کننده‌ای در اداره امور خانواده و جامعه دارند و برای تحقق اهداف توسعه می‌توانند مسئولیت مهمی را برعهده گیرند. ضمن اینکه زنان می‌توانند در تمام قسمت‌های اقتصادی بازوی اصلی و قدرتمندی برای پیشبرد اهداف باشند.

به‌عنوان مثال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نقش زنان در اداره امور کشاورزی، آب، جنگل‌داری و منابع انرژی افزایش یافته است. زن به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان فردی که در زندگی اجتماعی و شغلی با افراد مختلف ارتباط دارد و همچنین ویژگی‌های روحی و عاطفی می‌تواند حامی و حافظ توسعه در جامعه باشد. از این رو باید برای خود اهمیت و ارزش خاصی قائل باشند تا بتوانند در تمام زمینه‌ها نقش خود را به‌خوبی ایفا نمایند (طالبی، ۱۳۸۰).

در مقطع کنونی زنان بیش از هر زمان دیگری به کار اشتغال دارند و در قبال آن نیز دستمزد دریافت می‌کنند. مطالعات جهانی مربوط به نقش زنان در توسعه اقتصادی بیان‌کننده این است که زنان به شکل بی‌سابقه‌ای به بازارهای کار وارد می‌شوند و حتی در برخی موارد تعداد آنها بیشتر از مردان بوده است؛ به طوری که طبق بررسی‌ها نسبت زنان شاغل به مردان در فعالیت‌های اقتصادی طی بیست سال اخیر دو برابر شده است. یکی از مسائل مهمی که می‌تواند نقش بسزایی در توسعه کشورها داشته باشد، آموزش زنان و مشارکت آنها در بازار کار است. در هر جامعه‌ای پرورش نسل آینده برعهده زنان می‌باشد و اگر آنان وارد بازار کار نیز شوند، آموزش می‌تواند آنها را در پرورش بهتر فرزندان کمک کند. از طریق آموزش در سطوح مختلف و در اختیار قرار دادن امکانات کافی از توانایی‌های زنان می‌توان بیشترین بهره‌برداری را در جریان توسعه به عمل آورد و موقعیت زنان را بالا برد تا قدرت بیشتری در جامعه به دست آورند. همچنین، از طریق آموزش و کسب علم،

حمایت‌ها و اتکاء به نفس، زنان می‌توانند در فرایند توسعه مشارکت‌های فزاینده‌ای داشته باشند (شیخی، ۱۳۸۰).

به‌طورکلی این حضور گسترده پیامدهای مهمی همچون افزایش سطح درآمد خانواده، کاهش بار سرپرستی مردان در خانواده و کاهش فشار اقتصادی بر آنان، افزایش عرضه نیروی کار از سوی زنان و به‌تبع آن، کاهش هزینه‌های تولید و خدمات در کل جامعه در پی داشته و رشد و توسعه اقتصادی را موجب شده است (اسدزاده و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۶۰).

### جایگاه اقتصادی و اشتغال زنان در اسلام

در فرهنگ اسلامی اشتغال به‌عنوان یک ارزش تلقی می‌شود. اسلام، مردم را برای برطرف‌کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده و از بیکاری، تبلی و سربار دیگران شدن به‌شدت منع کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «به تحقیق شما را در زمین مسلط کردیم و برای شما در آن وسایل و مایه‌های زندگی قرار دادیم تا شما به کوشش خود از زمین و آنچه در آن است، استفاده برید و شکرگزاری، ولی شما اندک شکر می‌کنید» (اعراف، ۹). همچنین، کسب درآمد در اسلام و انجام فعالیت اقتصادی برای تأمین معاش از عبادت‌های بزرگ است. روایت‌های متعددی که همه را به کار اقتصادی فراخوانده به مردان اختصاص ندارد (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳). «مردان را از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب می‌کنند بهره‌ای است» (نساء، ۳۲)؛ آیه کریمه بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد. به‌واقع اسلام حقوق اقتصادی زنان را به رسمیت شناخته است. در همین راستا نیز حضرت امام خمینی رحمته‌الله نیز اصول بنیادین نظام اقتصاد اسلام را از حقوق اجتماعی زنان جدا نمی‌داند و در این رابطه می‌فرماید: «زن باید همان حقوق مردان را داشته باشد، اسلام برابری بین زن و مرد را تأیید کرده است. اسلام به هر دوی آنها حق تصمیم‌گرفتن درباره سرنوشتشان و برخورداری از تمام آزادی‌ها را داده است. حق انتخاب کردن، رأی دادن و انتخاب شدن، حق آموزش، کار و نیز اعمال تمام وظایف اقتصادی» (بنی‌اسدی، ۱۳۷۹). مقام معظم رهبری نیز مشارکت فعال زن در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را نه تنها جایز می‌داند، بلکه کمال یک جامعه را در این می‌داند که زن‌ها به‌عنوان نیمی از جامعه در آن مشارکت جدی داشته باشند. «عرصه دوم، عرصه فعالیت‌های اجتماعی است، اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه میدان‌های زندگی در صحن جامعه. در اینجا هم میان مرد و زن در اجازه فعالیت‌های متنوع در همه میدان‌ها هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی

بگوید مرد می‌تواند درس بخواند، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند فعالیت اقتصادی داشته باشد، زن نمی‌تواند، مرد می‌تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی‌تواند، منطق اسلام را بیان نکرده و برخلاف سخن اسلام حرف زده است» (تاجیک، ۱۳۹۱).

### جایگاه زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی

زنان نقش مهمی در اقتصاد مقاومتی دارند. آنان به‌عنوان طلایه‌داران این بخش می‌توانند نقش مهم، تأثیرگذار و متفاوت از دیگر گروه‌های اجتماعی ایفا کنند. این حضور متفاوت به دلیل نقش‌های فردی و اجتماعی متعددی است که زنان چه در درون خانواده (به‌عنوان مادر و همسر) و چه در بیرون از خانواده (در موقعیت‌های تحصیلی و شغلی) بر عهده دارند. زنان با تدبیر خردمندانه و با اتخاذ الگوی مصرف مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌توانند با درمان جنون خرید و تجمل‌گرایی گام مؤثری در این عرصه بردارند؛ زیرا آنان مدیران اقتصادی خانواده و تربیت‌کننده فرزندان هستند. در دنیای رقابتی امروز که همه باید برای پیشرفت جامعه تلاش کنند، بانوان نیز در تأمین نیازهای خانواده سهیم هستند و افزون‌بر نقش مدیریتی در خانواده می‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی هم‌پیردازند و همگام با همسران خود در تأمین معاش زندگی همکاری کنند. آنان به‌عنوان مدیران سبب دارایی و مصرفی خانواده‌ها، با گام برداشتن در جهت ارتقای اقتصاد خانواده، نقش مهمی را در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بازی می‌کنند. از آنجاکه یکی از مشخصه‌های اقتصاد مقاومتی بحث استفاده از کالاهای داخلی است، از این‌رو نقش زنان جامعه به‌عنوان مدیران سبب دارایی خانواده پررنگ است و همچنین بحث محدودیت‌هایی که در سرمایه‌گذاری خانواده مطرح است، باعث شده که با آن محدودیت‌ها بحث مدیریت اقتصادی زنان بیشتر به چشم آید (رضایی بقال‌زاده، ۱۳۹۳). در مجموع، تأثیرگذاری و نقش زنان در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی را می‌توان در دو حوزه خانواده و جامعه بررسی نمود.

### الف. خانواده

اقتصاد خانواده یکی از مباحث مهم در اقتصاد ملی است و به سهم خویش، نقش بی‌بدیلی در ارتقای سطح کمی و کیفی اقتصاد در سطح ملی ایفا می‌کند. اگر اقتصاد خانواده «چگونگی سازماندهی و مدیریت منابع خانه» تعریف شود، باید گفت اقتصاد خانواده تا حد زیادی مرهون فعالیت‌ها و تلاش‌های زنان در خانه است (باقری، ۱۳۹۵، ص ۸۹). بنابراین از مهم‌ترین کارکردهای زنان در خانواده و تأثیر آن در تحقق اقتصاد مقاومتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

## ۱. ترویج و تقویت فرهنگ اقتصاد مقاومت

فرهنگ عبارت است از ارزش‌ها، آداب و رسوم، که در اکثریت مردم یک جامعه مشترک بوده و تمام رفتارهای پایدار اجتماعی را در بر می‌گیرد و مهم‌ترین ویژگی آن پایداری و چسبندگی است. رفتارهای مصرفی انسان در بلندمدت رفتارهایی پایدار شمرده می‌شوند. تغییر این رفتارها بدون تغییر فرهنگ ممکن نیست. بنابراین، اگر به دنبال تغییر رفتار مصرفی جامعه هستیم، باید برای عامل فرهنگ اعتبار خاصی قائل شویم. ترویج فرهنگ صحیح مصرف مزایای فراوانی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور به همراه دارد و از اهم مزایای آن می‌توان به مواردی مانند کاهش اتلاف منابع، کاهش واردات اقلام غیر ضروری، کاهش مصرف‌گرایی و تجملات، کاهش فساد اداری، کاهش وابستگی اقتصادی، کاهش اتکای دولت به نفت، تعدیل توزیع درآمدها و کاهش فاصله طبقاتی، کاهش هزینه‌ها، ترویج ارزش‌ها و فضایل اخلاقی، رقابتی کردن اقتصاد، اصلاح تولید، افزایش نرخ کارایی و بهره‌وری و تعدیل روحیه تنوع‌طلبی و... اشاره کرد (رضوی و مهرزاد، ۱۳۹۲). بنابراین، فرهنگ اقتصادی زیربنای توسعه محسوب می‌شود و زنان در شکل‌دهی به فرهنگ اقتصادی جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند. نقش مربی‌گری زنان در جامعه موجب می‌شود تا رفتارها و نگرش‌های اقتصادی ایشان به‌ویژه در بعد مصرف، بستر تربیتی را برای توسعه جامعه فراهم نماید (آذری موفق، ۱۳۹۶، ص ۲۶). به همین سبب نقش زنان در ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی انکارناپذیر است. زنان ما با توجه به اینکه در عرصه‌های اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی مختلفی انجام می‌دهند، اما هیچ‌گاه از یاد نبرده‌اند که به‌رحال رسالتی را به‌عنوان فرهنگ‌سازی در خانواده برعهده دارند. رسالتی که به‌عنوان یک مادر، همسر و در قالب کسی که می‌تواند تأثیرگذار بر فرهنگ یک جامعه باشد، مطرح می‌شود (رضایی بقال‌زاده، ۱۳۹۳).

باید گفت زنان نیمی از پیکره جامعه هستند و می‌توانند نیمه دیگر جامعه را با القا فرهنگ صحیح استفاده از امکانات و منابع، اداره نموده و همچنین روی آنان تأثیرگذار باشند. بنابراین، همه‌چیز در وهله نخست به فرهنگ خانواده‌ها بستگی دارد و زنان با توجه به نقش تربیتی‌شان یک عامل مؤثر بر فرهنگ خانواده می‌باشند. حتی تغییر الگوی مصرف و رویکرد استفاده از کالاهای تولید داخلی به جای تولیدات خارجی نیز بستگی به فرهنگ‌سازی و نوع نگاه زنانه دارد که چگونه به فرزندان خود بیاموزیم که از تولیدات داخلی استفاده نمایند.

به‌دیگرسخن، زنان به‌عنوان تربیت‌کننده نسل آینده، وظیفه بسیار مهمی در فرهنگ‌سازی کودکان و نوجوانان برعهده دارند و در ضمن باید مفاهیم و به‌ویژه فرهنگ مقاومتی را به فرزندان خود و نسل آینده منتقل و آن را در خانواده نهادینه کنند، در واقع حمایت از اقتصاد مقاومتی در کشور

بهینه می‌شود؛ از این رو این تغییر نگرش و نوع نگاه، آموزش و فرهنگ در خانواده و به تبع آن در جامعه توسط زنان امکان می‌پذیرد. بنابراین می‌توان آشکارا بیان نمود که نقش زنان در پیشبرد اقتصاد مقاومتی بیش از مردان است.

## ۲. مدیریت منابع مالی و پس‌انداز در خانواده

خانواده سازمانی است که تولید و توزیع کالاهای مورد نیاز را فراهم می‌کند و زن بدون مناقشه یکی از دو رکن اساسی خانواده است که در این سازمان‌دهی و مدیریت نقش اساسی ایفا می‌کند. جایگاه مادری و همسری عمده منابع مصرف را به زن می‌سپارد و انتظار می‌رود که وی بتواند با سازمان‌دهی و مدیریت صحیح بین درآمد و مصرف، توازن برقرار نماید و یا با برنامه‌ریزی صحیح اجرای صحیح در رشد و توسعه اقتصاد خانواده نقشی مؤثر داشته باشد. از آنجاکه اقتصاد خانواده در تنظیم نمودار رشد و توسعه اقتصادی جامعه و برنامه‌های کلان بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی تأثیر بسزایی دارد، می‌توان گفت زنان نقش مهمی در استفاده بهینه از منابع دارند: منابعی مثل زمان، پول، درآمد و... (رضایی آهوانویی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱).

به‌دیگرسخن، مدیریت دارایی‌های خانواده با توجه به ترجیحات فرد و خانواده تعیین می‌شود. شاید شیوه تهیه غذاها، استفاده بهینه از امکانات و وسایل منزل و پوشاک و وسایل شخصی هر فرد، نظافت و نگهداری و حتی قرار دادن وسایل، مراقبت از فرزندان و تأمین سلامت آنان، در مجموعه سرمایه‌های هر خانوار ناچیز و نادیده به شمار آید و فقط سهام اوراق مشارکت، پول و... به‌عنوان سرمایه در نظر گرفته شود؛ اما باید به این نکته توجه داشت که تولید مواد غذایی، البسه و دیگر نیازمندی‌ها و نیز جمع‌آوری و نگهداری وسایل شخصی و جمعی خانواده‌ها که نیاز به یک برنامه‌ی صحیح دارد به دست مدیر شایسته خانه، با کمترین هزینه، بالاترین مطلوبیت را در پی خواهد داشت. مدیر خوب خانواده باید بتواند در مواقع کمبود یا حذف بعضی امکانات، جایگزین مناسبی را انتخاب نماید، بدون آنکه تغییری در مطلوبیت ایجاد شود. مثلاً اگر برنج گران یا کم می‌شود، سیب زمینی یا نان را جایگزین نماید، تا ضمن برقراری تعادل بین درآمد و هزینه‌ها منبع تغذیه افراد خانواده تأمین شود؛ البته رضایت خاطر یا مطلوبیت اعضای خانواده نیز مهم است (فروزش، ۱۳۸۶). همچنین، زنان با وارد کردن پس‌انداز خود در چرخه تولید می‌توانند گام بسیار بزرگی در جهت اقتصاد مقاومتی بردارند؛ زیرا سرمایه‌گذاری در تولید یک بحث مهم و اساسی است (اقتصادپرس، ۱۳۹۲/۱۲/۱۰).

### ۳. اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف که به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت است. از طرفی الزام مصرف بهینه باعث می‌شود تا افزون بر پیشرفت علمی ناشی از ارتقای فن‌آوری در طراحی و ساخت وسایل و تجهیزات بهینه مطابق با استانداردهای جهانی، فرصت توزیع مناسب منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌هایی نیز فراهم شود که کمتر مورد توجه بوده است (کلانتری، ۱۳۸۴).

یکی از پایه‌های اصلی توسعه اقتصادی جامعه و خانواده «اصلاح الگوی مصرف» است که نقش مؤثری در توسعه پایدار ایفا می‌نماید؛ زیرا مصرف نامناسب سبب تباهی منابع قابل سرمایه‌گذاری می‌شود و زمینه رشد اقتصادی و رفاه جامعه و خانواده را در بلندمدت از بین می‌برد. همچنین، امکان مشارکت در هزینه‌های عمومی و بهبود توزیع درآمد را تباه خواهد نمود (رضایی آهوانویی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

اگر وضعیت جامعه به گونه‌ای باشد که افراد را به سمت مصرف هرچه بیشتر سوق دهد، بخش اعظم منابع درآمد جامعه به مصرف اختصاص می‌یابد و روشن است که در چنین وضعیتی از سطح پس‌انداز کل کاسته، زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاری فراهم نمی‌شود. این مسئله کاهش تولید و فقر اجتماعی را به دنبال آورده و ضعف اقتصادی نیز زمینه فقر فرهنگی و انحطاط اجتماعی را فراهم می‌کند و این امور در مجموع، آسیب‌پذیری جامعه را در برابر قدرت‌های سلطه‌گر افزایش داده و استقلال سیاسی کشور را تهدید می‌کند و اگر تأمین نیازهای رو به افزایش جامعه از راه واردات انجام گیرد، تأمین ارز مورد نیاز برای خرید از بازار جهانی، روند وابستگی را تشدید می‌نماید (گرچی، ۱۳۷۹).

در هیچ جامعه‌ای فراوانی مطلق وجود ندارد و عوامل تولید با محدودیت و کمیابی نسبی مواجه می‌باشند. الگوی مصرف حاکم بر جامعه می‌تواند به تخصیص بهینه منابع و نحوه به‌کارگیری عوامل تولید کمک کند؛ به گونه‌ای که دربرگیرنده نیازهای ضروری و اساسی باشد و با اولویت‌بندی و تشخیص میزان اهمیت هریک، زمینه لازم را برای استفاده منطقی از امکانات فراهم آورد. بنابراین، با توجه به اینکه از یک سو، امکانات و توانمندی‌های جامعه در هر مقطع زمانی، با محدودیت‌هایی مواجه‌اند و از سوی دیگر، میزان نیاز، به سبب رشد جمعیت همواره در حال افزایش است؛ از این رو، چنین وضعیتی لزوماً افزایش تولید را می‌طلبد که در صورت عدم تحقق آن، تولید

ناچیز کالاها و خدمات بین جمعیتی زیاد تقسیم می‌شود و این نتیجه‌ای جز افزایش فقر و محرومیت به دنبال ندارد (صادقی، ۱۳۷۵).

خانواده رکن اصلی جامعه است و قلب تپنده خانواده، زنان هستند. طبیعی است که با توجه به نقش انسان‌ها در توسعه و رکن اصلی آن - که بحث تعلیم و تربیت و جایگاه خانواده است - نقش زنان پررنگ‌تر و مشخص‌تر می‌شود. تشخیص جایگاه زن در مدیریت مصرف خانواده، فراتر از آن است که بتوان با عدد و رقم سنجیده شود؛ زیرا بسیاری از تلاش‌های زنان در ابعاد مختلف قابل احتساب با ارقام ریاضی و کمی نیست و نیاز به مفاهیمی جدید در تحلیل دارد. زن به‌عنوان مدیر اقتصادی خانواده در خرید و نحوه مصرف نقش مهمی به عهده دارد. زنان با کسب آگاهی‌های لازم در مورد نحوه مصرف قادر خواهند بود که هزینه‌های یک جامعه را کنترل نمایند و باعث ارتقا سطح مدیریت بهره‌وری ملی شوند که این امر از طریق بهینه‌سازی مصرف در خانواده حاصل می‌شود (برادران رضایی و شیروانی، ۱۳۸۵ و به نقل از شادمانی، ۱۳۸۵). همچنین زنان به خاطر اینکه بیشترین خریدها را انجام می‌دهند، می‌توانند در نوع تولیدات وارد شده، مد و تعداد کالاها به بازار نیز دخالت داشته باشند (تفضلی، ۱۳۷۶).

#### ۴. قناعت، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف

بر طبق آموزه‌های اسلامی، مصرف‌کننده مسلمان، اسراف و تبذیر نمی‌کند و به داشته خود برای مصرف قناعت می‌کند و بخل و تقطیر (مصرف کمتر از کفاف) نخواهد داشت و تلاش می‌کند نیاز خانواده را در حد استانداردهای مصرفی تأمین نماید و متناسب با دارایی، شأن و منزلت خود مصرف می‌کند (عزتی، ۱۳۸۸، ص ۴۴-۴۵).

زنان کانون خانواده هستند و بنابراین می‌توانند با مدیریت صحیح منابع و جلوگیری از اسراف و با صرفه‌جویی به اقتصاد خانواده کمک و از امکانات به‌طور بهینه استفاده کنند و سرانجام مؤثر در بهبود اقتصاد جامعه باشند. حضرت علی (علیه‌السلام) سه خصلت متانت، احتیاط و حساب‌گری را از ویژگی‌های مهم زن مسلمان می‌داند. ایشان به زنان حساب‌گر ارجح می‌نهد و متذکر می‌شود که زنان حساب‌گر و دقیق از مال و آبروی همسر خویش مراقبت می‌کنند (شادمانی، ۱۳۸۵ و قوهستانی، ۱۳۹۶). به این ترتیب زن به‌عنوان فعال در عرصه خانواده و تربیت فرزند ضمن گرمابخشیدن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه با حساب‌گری و دقت نظر در دخل و خرج، خانواده را نیز به سامان می‌رساند (شادمانی، ۱۳۸۵). در همین راستا، یکی از مهم‌ترین ابزار و برنامه‌های جهت صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف، آموزش است. آموزشی که به تغییر نگرش و اصلاح باور و کردار نامناسب

منجر شود که در همین راستا تهیه برنامه‌های آموزشی و استفاده از ابزار رسانه بسیار مفید خواهد بود (ابتهاج شیرازی، ۱۳۷۷).

#### ۵. ترویج و گسترش ساده‌زیستی و نفی تجمل‌گرایی

ساده اما زیبا زیستن یکی از شیوه‌های مناسبی است که یک زن ایرانی می‌تواند جایگزین الگوهای فخرفروشی، اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی به‌ویژه تحت تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای شود. به‌طور معمول بیشترین خرید موردنیاز لوازم‌خانگی توسط زنان صورت می‌گیرد و چشم‌وهم‌چشمی کردن در تأمین لوازم غیرضروری و لوکس منزل و تعویض فصلی و سالی لوازم طبق مد روز در قالب فریب «تنوع‌طلبی» به‌وسیله زنان، برای بسیاری از خانواده‌ها دردسرساز بوده است.

#### ۶. مسئولیت انتقال فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی

یکی از وظایف زن به‌عنوان مسئول خانه و خانواده انتقال ارزش‌های اخلاقی به نسل بعد است. مادر صرفه‌جو فرزند صرفه‌جو تربیت می‌کند. مادری که نگرش اقتصادی دارد، فرهنگ اقتصادش را به خانواده و فرزندان منتقل می‌کند و مانع از ریخت‌وپاش‌های اضافی و بی‌مورد می‌شود. نقش اقتصادی مادر در کل خانواده جاری است. به‌طورکلی بخش اعظمی از تربیت، الگوپذیری از مادران است که از طریق گفتار، کردار و رفتار در وجود فرزندان نقش می‌گیرد (شادمانی، ۱۳۹۵).

#### ۷. حمایت از تولیدات ملی

مسئله مهم دیگر که لازمه پیشبرد اقتصاد مقاومتی است، ترجیح کالاهای ایرانی بر کالاهای خارجی می‌باشد. ترفند مصرف‌گرایی کالاهای بی‌کیفیت و نامرغوب خارجی، وابستگی و عدم خودباوری است. ارجحیت و افزایش مصرف کالاهای وارداتی با برندهای معروف یا ناآشنا در جریان مهم تشکیل خانواده و ازدواج بانوان ایرانی بسیار مشهود است. تهیه جهیزیه به‌وسیله تولیدات داخلی، توجه مستقیم به تولید ملی است و به‌دوراز اشعار و یک هدف و وظیفه می‌تواند یک ارزش تلقی شود. ارزشی که برای نسل‌های بعد هم بماند (رضایی بقال‌زاده، ۱۳۹۳).

بنابراین، نهادینه‌شدن حمایت از تولید ملی در خانواده‌ها با محوریت و مدیریت بانوان باید تبدیل به فرهنگ شود؛ از این‌رو این امر مستلزم برنامه‌ریزی، تدبیر و هوشمندی بالایی است. خانواده‌ها باید به این موضوع آگاه باشند که مصرف کالای وطنی و حمایت از تولیدات داخل،

سرانجام به پویایی اقتصاد و به فعال شدن چرخه تولید خواهد انجامید که از پرتو آن، اشتغال ایجاد شده و در نتیجه بیکاری از جامعه رخت بر خواهد بست.

با فعال شدن بخش صنعت، دیگر بخش‌ها نیز از رکود و کم‌تحرکی نجات خواهند یافت؛ ولی اگر رویکرد جامعه معطوف به استفاده از کالای خارجی حتی در سطح ناچیزی باشد، تولید داخل از عرصه رقابت باز داشته شده و سرانجام به تعطیلی مراکز تولیدی و افزوده شدن بیکاران و افزایش قیمت‌ها، بروز ناهنجاری‌ها و از هم گسستن بنیادهای جامعه منجر خواهد شد.

#### ۸. پرورش نیروی انسانی متعهد

خانواده نخستین پایگاه تربیت و پرورش منابع انسانی است؛ از این رو جامعه باید با تقویت نهاد خانواده زمینه توسعه اقتصادی را مهیا کند. امروزه تنوری سرمایه انسانی در مقابل سرمایه فیزیکی مورد توجه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان دنیاست (فروزش، ۱۳۸۶). بنابراین، زنان به‌عنوان عامل پرورش و رشد نیروی کار، در جریان افزایش بهره‌وری و تولید ناخالص ملی سهم بسزایی دارند؛ از این رو با سرمایه‌گذاری در اطلاعات، دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های زنان به این ارزش افزوده خواهد شد، بنابراین تلاش حاکمان و نظارت و توجه ملی به این امر بازخورد مستقیم در پیشرفت کشور دارد؛ زیرا هرگاه نیروی انسانی در محیط سالم و با انگیزه، احساسات، عاطفه، خیرخواهی و... پرورش یابد، با عزت‌نفس و مناعت زندگی را بگذرانند، نیروی قوی‌تری در چرخش امور اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. زنان با فراهم و آماده کردن محیطی با نشاط و صمیمی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و توجه به بهداشت روحی، جسمی و روانی اعضای خانواده اثر مستقیم بر اقتصاد جامعه می‌گذارند (رضایی بقال‌زاده، ۱۳۹۳).

#### ب. جامعه

در حوزه اجتماعی نیز مهم‌ترین کارکرد زنان در اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

#### ۱. رونق، بهره‌وری و افزایش تولید ناخالص ملی

اگر به بحث زنان در جبهه‌های اقتصادی و با رویکرد فرهنگی نگاه شود، زن ایرانی از طرفی خود مولد سرمایه برای مصرف داخل خانه محسوب می‌شود و از طرف دیگر حتی اگر صرفاً در خانه حضور داشته باشد، مدیریت درآمد همسرش بر عهده وی خواهد بود و از این رو نقش زن در اقتصاد بیش از پیش اهمیت دارد. کسب‌وکاری که زن خانواده در خانه خود انجام می‌دهد، ارزش اقتصادی

دارد و با نگاهی گذرا به جایگاه زنان در عرصه‌های اقتصادی در می‌یابیم که امروزه در تمام دنیا زنان همپای مردان به فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند و کشورهای توسعه‌یافته، توسعه‌یافتگی خود را مدیون رشد حضور زنان در جامعه می‌دانند و کشورهای در حال توسعه به دنبال آن هستند که مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی را گسترده‌تر کنند.

بنابراین، امروزه اشتغال زنان در جریان توسعه و پیشرفت جوامع، امری گریزناپذیر و با شدت یافتن نیازهای فرد و جامعه ضروری است. در پی ضرورت وجود برخی مشاغل خدماتی ویژه بانوان و همچنین گسترش مشاغل خانگی و مسئله کارآفرینی زنان در سال‌های اخیر زمینه ورود جدی آنان در فعالیت‌های اقتصادی در جامعه فراهم شده است که این امر به نوبه خود باعث اشتغال‌زایی و افزایش تولید و درآمد ملی می‌شود.

همچنین، روندهای اخیر نشان داده‌اند که تأسیس کسب‌وکارهای کارآفرینانه کوچک و متوسط توسط زنان در حال افزایش است. این موضوع کاملاً با رویکرد اقتصاد مقاومتی و تلاش برای تقویت بنیان اقتصاد جوامع محلی سازگاری دارد. زنان به دلیل درک مستقیم و روشن از اقتضانات و سبک زندگی در هر جامعه می‌توانند فرصت‌های درآمدزایی و ارزش‌آفرینی اجتماعی را شناسایی و آنها را شکوفا کنند.

در این راستا زنان کارآفرین و خلاق ایرانی به دلیل داشتن تفکرات اقتصادی و مدیریت اقتصادی بالایی که دارند می‌توانند در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش‌آفرینی بالایی داشته باشند و به صورت مستقیم در امر تولید نقش بسزایی ایفا نمایند.

## ۲. تأثیر مثبت تحصیلات عالی، خلاقیت و توانمندی زنان بر شکوفایی اقتصاد

تحقیقات نشان داده است که هرچه اشتغال زنان در اقتصاد بیشتر باشد، جهان ثروتمندتر و مرفه‌تر خواهد شد و این در حالی است که سهم زنان از مشاغل جهان عمدتاً مربوط به مشاغل سخت و کم‌درآمد می‌باشد. با وجود این، در دهه‌های اخیر سهم اشتغال و نقش‌آفرینی زنان در اقتصاد جهانی بسیار بیشتر از نسل پیشین بوده است. افزون بر این درصد دانشجویان دختر در دانشگاه‌های جهان، نسبت به مردان بیشتر شده است؛ ولی هنوز تا کم‌رنگ شدن دنیای مردانه فاصله بسیاری باقی است. با افزایش اشتغال زنان در اقتصاد کشورها، زمینه مساعدی برای بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی به‌ویژه تولید ناخالص داخلی و سطح رفاه اجتماعی فراهم می‌شود (رضایی بقال‌زاده، ۱۳۹۳).

در ایران در چند سال اخیر نرخ تحصیلات عالی در میان زنان افزایش یافته است. این روند بدین معناست که تأثیرگذاری تخصصی تر زنان در سمت‌ها و مسئولیت‌های مختلف اقتصادی باعث افزایش بهره‌وری تولید محصولات و ارائه خدمات می‌شود. زنان با دارا بودن انگیزه پیشرفت و شکوفایی اجتماعی، با بهره‌مندی از مهارت‌های ارتباطات اثربخش و درک متقابل، گرایش ذاتی برای لحاظ کردن تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی، می‌توانند تأثیر متفاوتی بر ارزش‌آفرینی اقتصادی- اجتماعی متوازن داشته باشند.

### نتیجه‌گیری

دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی مستلزم مشارکت پویا و همه‌جانبه اقشار جامعه به‌ویژه زنان است. با مشارکت فعال همه افراد در تمامی مراحل، بهره‌وری به دست می‌آید. گفتنی است که اگر افراد در مراحل مختلف سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها اعم از برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی مشارکت داده شوند، احساس مسئولیت بیشتری نموده و در نتیجه از آن حمایت مضاعفی می‌کنند؛ از این رو توجه و اهمیت دادن به زنان در اقتصاد مقاومتی می‌تواند موجبات تحقق آن را تسهیل بخشد؛ زیرا زنان افزون‌بر حضور فعال و پویای خود در فعالیت‌ها و عرصه‌های مختلف زندگی، سهم عمده‌ای در پیشرفت جامعه در نیل رسیدن به توسعه اقتصادی دارند. همچنین، باید گفت خانواده تنها منبع عرضه‌کننده نیروی کار جامعه می‌باشد. ضمن آنکه می‌تواند بخش مهمی از سرمایه فیزیکی اقتصاد جامعه را از راه سپرده‌گذاری، خرید اوراق مشارکت، اوراق سهام و... فراهم کند و سرمایه خود را در راه تولید و کسب‌وکار قرار دهد.

از سوی دیگر امروزه مصرف‌گرایی، گرایش به‌سمت زندگی اشرافی و تجمل‌گرایی و اسراف در جامعه به یکی از معضلات جدی و مانعی بر سر راه اقتصاد مقاومتی تبدیل شده است. یکی از ملاک‌های مدیریت صحیح، ترویج فرهنگ خرید محصولات داخلی و اصلاح الگوی مصرفی در خانواده است؛ زیرا خانواده مصرف‌کننده کالاها و خدمات تولیدشده در جامعه است و روش استفاده صحیح از کالاها و خدمات، میزان بهره‌وری را بالا می‌برد و از هدر دادن امکانات و دستاوردها جلوگیری می‌کند. افزون‌بر این جامعه همواره باید از استعداد، توانایی و قابلیت‌های زنان در زمینه‌های گوناگون بهره‌گیری کند. فراموش نشود که امروزه زنان نسبت به گذشته حضور پررنگ‌تری داشته و حتی در برخی زمینه‌ها شاهد افزایش حضور آنان هستیم؛ از این رو دولتمردان باید از این فرصت نهایت استفاده را کسب نمایند تا با در نظر گرفتن جایگاه و تأثیرگذاری زنان در پیشبرد اقتصاد مقاومتی و اثرات مثبت و کارآمد آن به توسعه اقتصادی کشور کمک نمود.

## پیشنهادها و راهکارها

۱. لزوم توجه و اذعان مسئولان و سران حکومتی به نقش محوری زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی
۲. توجه به آموزش دختران و زنان در جهت توانمندسازی هر چه بیشتر آنان
۳. ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ زنان
۴. رفع موانع حضور و تسهیل مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی از طریق توسعه کارآفرینی و درآمدزایی و افزایش دسترسی آنها به اعتبارات لازم
۵. دخالت زنان در تدوین سیاستها و تصمیم‌گیریهای اساسی مرتبط با اقتصاد مقاومتی
۶. ایجاد و توسعه زمینه‌های لازم برای شکوفایی خلاقیت و ابتکارات به جهت بهره‌مندی بیشتر از استعداد و توانایی‌های زنان
۷. تلاش همه‌جانبه نخبگان و سیاست‌گذاران در جهت رفع تبعیض و بینش مردسالارانه در جامعه

## منابع

## \* قرآن کریم

۱. آذری موفق، مرضیه (۱۳۹۶)، «نقش زنان در فرهنگ‌سازی اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه نامه فرهنگ و ارتباطات، سال اول، شماره ۲، ص ۲۶-۴۱.
۲. ابتهاج شیرازی، فریبا (۱۳۷۷)، «چالش‌ها و فرصت‌ها برای زنان»، نشریه پیام زن، شماره ۸۳.
۳. ایمانی، مریم (۱۳۹۸)، «مطالعه نقش زنان در اقتصاد کشور انگلستان (اشتغال در جامعه و صنعت)»، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، ص ۳۱-۴۱.
۴. اسدزاده، احمد؛ نینا میرانی؛ فروغ قاضی‌خانی؛ نجمه اسمعیل درجانی و عطیه هندروست (۱۳۹۶)، «بررسی نقش اشتغال و تحصیلات زنان بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره پانزدهم، شماره ۳، ص ۳۵۹-۳۸۱.
۵. باقری، محمدرضا (۱۳۹۵)، «نقش زنان در اقتصاد خانواده»، فصلنامه جمعیت، سال ۲۳، شماره ۹۸ و ۹۷، ص ۸۷-۹۳.
۶. برادران رضایی، مهین و مینا شیروانی (۱۳۸۵)، «وضعیت عادت غذایی دانشجویان دانشگاه‌های تبریز؛ بر اساس رفتارهای خطرناک جوانان»، نهمین کنگره تغذیه ایران، تبریز.
۷. بنی اسدی، طاهره (۱۳۷۹)، «زن و اقتصاد، استقلال مالی و اقتصادی زنان از نظر اسلام و دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)»، همایش اسلام و فمینیسم.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.
۱۰. پیغامی، عادل (۱۳۹۰)، «مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی»، نوشتار از دکتر پیغامی پیرامون اقتصاد مقاومتی.
۱۱. تاجیک، بنت‌الهدی (۱۳۹۱)، «اشتغال زنان از دیدگاه اسلام»، ماهنامه زمانه، شماره ۲۴-۲۳، به آدرس: [www.zamane.info](http://www.zamane.info).
۱۲. تفضلی، فریدون (۱۳۷۶)، اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تهران: نشر نی.
۱۳. خدایاری، جلال (۱۳۹۲)، «تبیین شاخص‌ها و مولفه‌های سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی»، همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی.
۱۴. رضایی آهوانویی، زهرا (۱۳۹۰)، «نقش زن در اقتصاد خانواده»، مجله طهورا، شماره ۹.
۱۵. رضایی بقالزاده، علی (۱۳۹۳)، «زنان و اقتصاد مقاومتی»، کد خبر: ۹۳۱۲۲۲۱۲۶۳۵، مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۲، به آدرس: [www.isna.ir](http://www.isna.ir).

۱۶. رضایی، مجید (۱۳۸۶)، «اصول حاکم بر کار اقتصادی زنان از دید اسلام»، اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۹۹-۱۲۴.
۱۷. رضوی، مهسا و ندا مهرزاد (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات دستیابی به آن؛ رهیافت اصلاح الگوی مصرف»، همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی.
۱۸. «زنان کارآفرین و خلاق در تحقق اقتصاد مقاومتی کشور نقش بسیاری دارند»، کد خبر: ۱۴۸۸۳۹۲، به آدرس: [www.waco.ir](http://www.waco.ir).
۱۹. «زنان، طلایه داران اقتصاد مقاومتی»، کد خبر: ۱۸۵۵۸۹۴۸۵۹۳۷۰۰۹۲۶۷۳، به آدرس: [www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir).
۲۰. سالار، حبیب‌الله و فاطمه خراسانی (۱۳۹۶)، «بررسی راهبردها و راهکارهای مناسب جهت تحقق اقتصاد مقاومتی با رویکرد سبک زندگی»، مجله اقتصادی، شماره‌های ۳ و ۴، ص ۷۹-۱۰۶.
۲۱. سخنرانی معاون سرمایه‌های اجتماعی مرکز امور بانوان، خبرگزاری دانشجویان ایران، کد خبر: ۹۱۰۷۳۰۱۹۸۸۱، مهرماه ۱۳۹۱، به آدرس: [www.isna.ir](http://www.isna.ir).
۲۲. سهامی، سوسن (۱۳۸۶)، «توسعه و چالش‌های اشتغال زنان»، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای هسته‌های پژوهش اساتید زن منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۲۳. شادمانی، سارا (۱۳۹۵)، «نقش زنان در اصلاح الگوی مصرف و اقتصاد مقاومتی»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، برلین، آلمان.
۲۴. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. صادقی، حسین (۱۳۷۵)، سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان، مباحثی در اقتصاد خرد، نگرش اسلامی، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
۲۶. عبدلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، «سیستم مدیریت مواد زائد جامعه شهری و روش‌های کنترل آن تنوع خلاق ما»، گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه.
۲۷. عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، اصلاح الگوی مصرف، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۸. عزتی، مرتضی (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه مذهبی بر مصرف»، مجموعه مقالات همایش اصلاح الگوی مصرف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۹. غفارپور، داوود و زهره پورحاتمی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی، راهبردها و راهکارها»، منبع پایگاه الگوها، آدرس: [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net).
۳۰. فروزش، زیبا (۱۳۸۶)، «بررسی اقتصاد خانواده؛ الگوپذیری از سیره ی عملی حضرت زهرا (علیها السلام)»، نشریه نامه جامعه، شماره ۳۴.
۳۱. قوهستانی، محمد (۱۳۹۶)، «سبک زندگی اسلامی و نقش زنان در تحقق اقتصاد مقاومتی»، به آدرس: <https://www.dana.ir/news/1095000.html/%D8%B3%D8>
۳۲. کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۴)، «اسلام و الگوی مصرف»، تهران: انتشارات نوید.
۳۳. گرجی، ابراهیم (۱۳۷۹)، اقتصاد کلان (تئوری‌ها و سیاستگذاری‌های اقتصادی)، تهران: شرکت نشر و چاپ بازرگانی.
۳۴. «نقش زنان در اقتصاد مقاومتی»، کد خبر: ۴۶۹۲، مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۱، به آدرس: [www.eghtesadpress.ir](http://www.eghtesadpress.ir)